



عکس: سانا

جولانی با دعوت رسمی ولیعهد عربستان به ریاض سفر کرد

افزایش تحرکات دیپلماتیک سوریه

است. جولانی چندی پیش برای نخستین بار به عنوان یک مقام ارشد سوریه به مسکو سفر کرد و مورد استقبال ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه قرار گرفت. در جریان مذاکرات این سفر که دو هفته قبل انجام شد، الکساندر نواک، معاون نخست‌وزیر روسیه اعلام کرد که «روسیه و سوریه همکاری در زمینه‌های مختلف، از جمله گردشگری را مورد بحث قرار دادند. روسیه آماده ادامه کار در میادین نفتی سوریه است. پروژه‌های مشخص مشارکت روسیه در بخش‌های انرژی و حمل و نقل در مذاکرات بین پوتین و الشرع مورد بحث قرار گرفت.» دمشق و مسکو در تلاش هستند که با توجه به منافع متقابل، روابط دوجانبه خود را با تمام فرازونشیب‌های چند سال گذشته، بازسازی کنند. روسیه منافع امنیتی و اقتصادی در سوریه دارد و علاقه‌مند است که این فضا را حفظ کند. علاوه بر این که پایگاه دریایی طرطوس و پایگاه هوایی لاذقیه، دو تأسیسات نظامی مهم برای مسکو هستند و پوتین همچنان به دنبال حفظ آن هاست. سوریه نیز به روابط سیاسی و نظامی با روسیه نیاز دارد به این خاطر که سیستم نظامی این کشور کاملاً شرقی و بر پایه ساختار روسی است. حدود یک ماه قبل جولانی در مصاحبه‌ای برای نخستین بار فاش کرد که در جریان حمله نیروهای تحت امر

گروه خبر: رئیس جمهور موقت سوریه ظهر دیروز برای شرکت در کنفرانس ابتکار سرمایه‌گذاری آینده و دیدار با مقامات ارشد عربستان سعودی، در صدر هیئتی بلندپایه وارد ریاض شد. احمد الشرع مشهور به ابومحمد الجولانی، در این کنفرانس سه‌روزه که روز سه‌شنبه با خود را در ریاض شروع کرد، حاضر خواهد شد. او ساعتی بعد از ورود به ریاض، ابتدا با فیصل بن فرحان، وزیر خارجه و سپس عبدالعزیز بن سعود بن نایف آل سعود، وزیر کشور و خالد بن عبدالعزیز الفالح، وزیر سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در محل اقامت خود دیدار و گفت‌وگو کرد. اسعد الشیمبانی، وزیر خارجه دولت موقت سوریه نیز در این ملاقات‌ها حضور داشت. رئیس جمهور موقت سوریه به دعوت محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان به ریاض رفت.

تلاش برای بازسازی روابط سیاسی و اقتصادی

پس از رفع تحریم‌های آمریکا علیه سوریه و در شرایط جدید، حکومت موقت این کشور به دنبال بازسازی روابط سیاسی و اقتصادی خود و جذب منابع و همکاری شرکت‌ها برای بازسازی ویرانه‌های جنگ داخلی سال‌های گذشته

اختلافات سیاسی در صحن شورای شهر تهران بالا گرفت

علیه حکمرانی نمایشی و گزارشی

ما می‌دانیم ترافیک تهران یکی از پیچیده‌ترین و چالش برانگیزترین موضوعات شهری در تهران است که نیازمند برنامهریزی بلندمدت و سرمایه‌گذاری گسترده است و مهم‌تر از آن همکاری بین‌رئهدای می‌خواهد. در چنین شرایطی نادیده گرفتن اقدامات انجام‌شده و کلی‌گویی غیر مستند، نه تنها کمکی به حل مسئله نمی‌کند، بلکه موجب تضعیف اعتماد عمومی و بی‌انگیزگی در بدنه شهرداری می‌شود.» صادقی در حالی از پیچیدگی ترافیک تهران می‌گوید که علیرضا زاکانی، شهردار تهران جلوی دوربین‌های رسانه به صراحت گفت که کمر ترافیک تهران را می‌شکنند. اما شهردار تهران در این وعده خود نیز تا کام ماند و حالا حامیانش در شورای شهر تهران در پی فراقتنی هستند.

شان شورای شهر حمایت حزبی نیست

سیدجعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران نیز در تذکر پیش از دستور در واکنش به تذکر یکی از اعضای شورای شهر گفت: «صحبت‌های آقای صادقی به گونه‌ای بود که بنده علاقمند شدم تذکر بدهم و صحبت‌های ایشان را کامل کنم؛ باید تأکید کنم شأن شورای شهر نظارتی است. اینکه تصور کنیم در یک حزب هستیم و اینجا آمده‌ایم تا فقط از هم حمایت کنیم، قطعاً در شأن هیچ‌یک از اعضای شورای شهر نیست. هنر ما باید این باشد که درد مردم را بفهمیم، فریاد درد مردم را سر دهیم و گره‌گشای زندگی آنان باشیم.»

او افزود: «هرچه تعریف کنیم، اگر پشت آن عملکردی نباشد، جز قرار دادن خود در معرض بی‌اعتمادی بیشتر مردم، نتیجه دیگری نخواهد داشت. نمی‌دانم مخاطب سخنان آقای صادقی چه کسانی بودند، اما شورای شهر شأن نهاد بالادستی برای شهرداری دارد و باید گام به‌گام مسائل را بررسی کند.»

رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران با اشاره به موضوع مناسب‌سازی شهر برای افراد دارای معلولیت تأکید کرد: «معاون شهردار تهران اعلام کرد یک میلیون متر از معابر تهران مناسب‌سازی شده است و این یعنی ۲۵ درصد شهر مناسب‌سازی شده اما اگر مردم آن را ببینند، خوشحال خواهند شد و اگر هزار حمله بگوییم و مردم آن را در عمل نبینند، باز هم خوب نیست. [...] ما باید به فکر مسائل خاص معلولان باشیم. آنها در ترافیک، درمان و دارو با مشکلاتی مواجه‌اند. بیماران پروانه‌ای برای دسترسی به داروهای خود ابراز نگرانی کرده‌اند. در بحث نگهداری، درمان و اشتغال، معلولان با مسائل خاصی روبرو هستند و امیدوارم مدیران کشور با حضور در این نمایشگاه، درد و دل آنان را بشنوند. هزینه‌های بسیار کرده‌ایم و موانع فیزیکی‌ای را در پیاده‌رها قرار داده‌ایم که حتی افراد عادی نیز نمی‌توانند از آن عبور کنند. این موانع، نه تنها به معلولان بلکه به افراد سالم هم آسیب می‌زند و در واقع، هزینه برای کرای



بن بست حکمرانی نمایشی و گزارشی در تهران
مهدی اقراریان، عضو شورای شهر تهران روز گذشته و در تذکر پیش از دستور خود با بیان اینکه مدیریت نمایشی در پایتخت به بن بست رسیده است، تأکید کرد: «با گذشت بیش از چهار سال از آغاز فعالیت دوره کنونی مدیریت شهری و با وجود وعده‌های مکرر برای حل معضل ترافیک، نه تنها این مشکل برطرف نشده بلکه وضعیت ترافیکی تهران پیچیده‌تر نیز شده است. با عنایت به حکم وزیر کشور در یازدهم شهریور ۱۴۰۰ برای آقای زاکانی و گذشت بیش از چهار سال از دوره مدیریتی وی و همکاران‌شان در پایتخت، شهروندان تهرانی از ما می‌پرسند وعده‌های شهردار درباره حل معضل ترافیک چه شد؟»
او افزود: «متأسفانه امروز نه تنها مشکلات ترافیکی شهر تهران کاهش نیافته بلکه این مشکلات گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. به نظر می‌رسد حکمرانی نمایشی و گزارشی در شهر تهران با بن بست روبرو شده و شهروندان تهرانی بزرگ‌ترین زیان دیدگان این رویکرد هستند.» این عضو شورای اسلامی شهر تهران اظهار امیدواری کرد که در مدت زمان باقی‌مانده از دوره کنونی مدیریت شهری، با اصلاح رویه‌ها و بازنگری در سیاست‌های ترافیکی، شاهد گره‌گشایی از مشکلات شهروندان در حوزه ترافیک باشیم.

بی‌انصافی اقراریان

احمد صادقی، عضو شورای شهر تهران به منتقدان شورای شهر تهران ناخوت و گفت: «متأسفانه بای‌انصافی تمام، همه دستاوردهای مجموعه شهری که آقای اقراریان یکی از آنها را در حوزه حمل و نقل و ترافیک گفتند، نادیده می‌گیرد و به جای نقد سازنده به سمت سیاه‌نمایی و تخریب سوق می‌دهد. همه



همین است و لابد معتقدند اگر ۲۵۰۰ سال قبل، همه را به دریا می‌ریخت مشکلات قرن بیستم میلادی پدید نمی‌آمد! خاصه این که تقابل اسرائیل با مدعای ارض موعود و یهود با ایران هم به اوج خود رسیده است.

۱۵ شاه چراغ؛ برخی هم دچار این سوءتفاهم‌اند که توجه به پاسارگاد به قصد بی‌توجهی به حرم شاه‌چراغ است یا ناخواسته منجر به آن می‌شود. در حالی که شاه‌چراغ در خود شیراز واقع است و آرامگاه کوروش با آن فاصله دارد و کاری به هم ندارند. کما این که در شیراز مردم به زیارت آرامگاه حافظ و سعدی هم می‌روند در حالی که هیچ‌یک از دو شاعر بزرگ، شیعه مذهب نبوده‌اند و دست‌کم سعدی قدر مسلم چنین است.

۱۱ دیدگاه خلخال؛ شیخ صادق خلخالی در رساله‌ عملیه خود (هرچند داعیه مرجعیت او مقبول نیستاد) کوروش هخامنشی را زاده مادری یهودی خوانده و حمله‌وی به بابل را نیز در پی دستور مادرش برای آزاد کردن قوم یهود دانسته و نتیجه گرفته است: «نژاد یهود، امروز به ته‌کاری و دشمن‌بشریت معرفی شده‌اند... تنها معرف کوروش به نیکی و نیکنامی نیز همین یهودند... فریاد که همین یهود، همین دلال‌های سیاست بین‌المللی، برای ملل دیگر تاریخ، پادشاه نام‌دار معرفی می‌کنند و مردم را وادار می‌کنند که جشن بگیرند، بول بدهند و شادی کنند و برای دایر کردن این جشن‌ها، کارشناس می‌فرستند و میلیون‌ها تومان پول را به این

وسیله به غارت می‌برند.» خلخالی تصویری خشونت‌بار از پادشاه هخامنشی ارائه می‌کند. او تفاوتی میان کوروش و سایر پادشاهان تاریخ ندیده و نوشته است: «کوروش نیز مانند همه پادشاهان و زورمندان تاریخ که از موهبت‌های خدادادی فقط زور و شمشیر دارند و منطقی وحشیانه که به حکم زور باید دیگران را مقهور تسلیم امر و خواسته خود نمود، از تیره وحشی در ۲۵۰۰ سال پیش برخاست و در دستگاه بهمن پادشاه ایران به خدمت مشغول شد چون سودای جهانگیری در سر داشت باسپاه وحشی خود به جنگ با همسایگان پرداخت.»

خلخالی سپس به ریشه روایت‌های به عقیده وی «دروغ در باره تاریخ زندگی کوروش» پرداخته، «هرودوت» مورخ را دروغ‌پرداز دانسته و روایت گزنفون از کوروش را نیز برآمده از تخیلات وی نامیده بود و می‌نویسد: «نوشته‌های هرودوت به صورت افسانه و برای نقال‌های قهوه‌خانه و درویش‌های سر کوجه‌ها هم به درد نمی‌خورد تا چه رسد که از آن یک حماسه کوروش کبیر بسازیم و بعد هم به آن افتخار کنیم.»

او حتی دکتر پرویز ناتل خانلری را نیز مهره ثابت صهیونیسم بین‌المللی می‌نامید، چه آنکه خانلری «با وجود تصریح مورخین شرق و غرب که هرودوت با گزنفون دروغگو هستند... قلم به دست گرفته و از هر راه ممکن وارد شده، از کوروش کبیر قهرمان ساخته و لوحه او را به نام اولین لوحه حقوق بشر به مردم معرفی می‌کند.»

مرور زمان البته سکه شیخ را از رونق انداخت و اکنون به سخن دکتر خانلری استناد و از بازداشت ۱۰۰ روزه و قطع حقوق سناتوروی او انتقاد می‌شود و کسی از صادق خلخالی دفاع نمی‌کند. چه رسد به این که به نظرات و آرای او در باب موضوعی تاریخی و در حوزه متخصصان تاریخ استناد شود.

۱۲ تاریخ پیش از اسلام؛ نظام آموزش رسمی در چهار دهه بعد انقلاب نشان داده به آموزش تاریخ ایران خصوصاً ایران پیش از اسلام تمایلی ندارد. توجه به کوروش و هخامنشیان اما تمایل ایجاد می‌کند و شاید به همین خاطر سعی دارند به او نپردازند.

۱۳ کلمه شاه؛ در ادبیات رسمی بعد انقلاب، کلمه «شاه» مشکل دارد نه فقط محمدرضا شاه. بنا بر این فرض بر این است که هر که شاه بوده بد است. چه کوروش باشد چه ناصرالدین شاه قاجار. اگر اسم خیابان کریم‌خان زند را هم برداشتند به این خاطر است که خود را شاه نخواند. این در حالی است که واژه شاه به ادبیات مذهبی ایران هم راه یافت و به حرم حضرت عبدالعظیم، شاه عبدالعظیم گفته می‌شود و به شاه‌چراغ هم اشاره شد یا در گیلان نام یک امام‌زاده «شازده ابراهیم» است.

با این حال بخت با کوروش، یار بوده که «کورش شاه» خوانده نمی‌شده چون شایه‌شاهان بوده به خاطر این که شاهان محلی هم وجود داشته‌اند و از این روست که باید یادآور شد «خشیارشا» نه داشته‌ایم یعنی نام شاهی «خشیار» نبوده بلکه شکل درست آن «خشیارشا» است: خشای + آرشا. (خشای به معنی فرمان‌روا و آرشا یعنی قهرمان)

۱۴ رفتارهای مشکوک و تبلیغات سلطنت‌طلبان برانداز؛ انتشار برخی تصاویر از مراسم چند سال پیش و افرادی در حال سجده که می‌واقعی است یا به قصد تحریک احساسات مذهبی هم در نگاه منفی بی‌تأثیر نبوده است.

۱۵ برتری گفتمان چپ در ادبیات روشنفکری هم از عواملی بوده که کمتر به ایران و کوروش پرداخته شده و این در حالی است که برخی از ماندگارترین منظومه‌ها با مضمون میهن‌دوستی و ملی‌گرایی سروده فعالان چپ بوده و نام سیاوش کسری (آرش کمان‌گیر) و هوشنگ ابتهاج/ سایه (ایران ای سرای امید) و حتی مهدی آخوان‌ثالث با پیشینه چپ کفایت می‌کند (تورا ای کهن بوم ویر دوست دارم) ولی اینان نیز از ایران گفته بودند نه از کوروش و هخامنشیان.

با همه این اوصاف در ۷ آبان ۱۴۰۴ خورشیدی می‌توان از کوروش گفت و به آن بالید و بیمی به خود راه نداد. در فضای بعد از جنگ ۱۲ روزه هیچ گفتمان‌ای به اندازه ملی‌گرایی و میهن‌دوستی به امر ایرانیان را متحد و یکپارچه نگاه نمی‌دارد و کلمه «ملی» نه تنها قبحی ندارد که صد او سیمای جمهوری اسلامی ایران که به مظاهر ملی نمی‌پردازد اما از ایران و ایران جان می‌گوید خود را «رسانه ملی» لقب داده و امر ملی به یگانه موضوع مورد اشتراک همه تحله‌های سیاسی بدل شده است. امروز هفتم آبان روز کوروش است؛ روز ملی و روز بازگشت به امر ملی تا بتوان انسجام ملی را برای توسعه ملی حول یک گفتمان و یک نماد سامان داد؛ پس فرخنده باد!

همین مواجعه سبب شد نیروهای مخالف سلطنت اعم از چپ و مذهبی با باستان‌گرایی و کوروش هخامنشی نه تنها میانه‌ای نداشته باشند که از در ستیز درآیند تا جایی که بعد از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی نام کوروش به محاق رفت و کسانی که نام کوروش را بر فرزندان خود گذاشته بودند نگران آینده آنان در ساختار ایدئولوژیک تازه شدند.

ضربه اصلی به ملی‌گرایی اماد در سال ۱۳۶۰ وارد آمد به دو دلیل: نخست موضع جبهه ملی ایران علیه لایحه قصاص در خرداد ۱۳۶۰ که خشم شخص رهبر فقید انقلاب را برانگیخت تا جایی که حکم ارتداد آن را صادر کرد در حالی که رهبر آن- دکتر کریم سنجابی- اولین وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران بود و برخی از چهره‌های شاخص ولو جداشده آن مانند داریوش فروهر در جریان انقلاب مورد وثوق ایشان بودند.

دوم تقابل نیروهای خط امام و حزب جمهوری اسلامی با اولین رئیس جمهوری که در سالگرد درگذشت دکتر مصدق در ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران به اوج خود رسید و به حذف ابوالحسن بنی‌صدر در پایان بهار ۱۳۶۰ انجامید و سبب شد امام خمینی علیه ملی‌ها و ملی‌گرایی موضع بگیرد و آن جمله مشهور را بر زبان آورد: «ملی‌گرایی خلاف اسلام است». این در حالی بود که امام خود در آغاز جنگ و در مهر ۱۳۵۹ در پیام به مردم ایران چند بار از واژه «میهن» استفاده کرده و دستور به حذف یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری به خاطر ایرانی‌تبار نبودن داده بودند.

موج مقابله با ملی‌گرایی و طبعاً کوروش به عنوان نماد آن از پس شروع و تشدید شد. اگر تغییر نام دانشگاه ملی ایران به دانشگاه شهید بهشتی را به خاطر شهادت شخصیت موثر انقلاب و جمهوری اسلامی در ۷ تیر ۱۳۶۰ بگذاریم در برخی موارد دیگر تنها به سبب حساسیت بر سر کلمه «ملی» بود تا جایی که حذف آن از سر در سازمان ملی انتقال خون ایران (آن زمان در خیابان ویلا/ نجات‌اللهی) اسباب حیرت شد.

هرچند به مهم‌ترین موارد در سوءظن به کوروش هخامنشی اشاره شد اما اگر بخواهیم فهرست‌وار ردیف کنیم از این قرار قابل احصاست:

۱ گفتمان باستان‌گرایی؛ چنان که اشاره شد در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، ۴ گفتمان با هم رقابت می‌کردند: اسلام سنتی، دیدگاه‌های سوسیالیستی، اسلام انقلابی و باستان‌گرایی پهلوی و در نهایت با انتطاف یا تأثیرگذاری سه گفتمان اولیه با هم یا بر هم گفتمان چهارم مغلوب شد و بعد از انقلاب، هم نام فروشگاه‌های زنجیره‌ای کورش به قدس تغییر یافت و هم نام خیابان کورش کبیر به دکتر علی شریعتی و اسم تیم پرسپولیس (شهر پارسه) هم شد: پیروزی. البته قبل از پیروزی مدت کوتاهی آزادی و چمران و بعد پیروزی. نامی که آن قدر به رسمیت شناخته نشد تا نام پرسپولیس بازگشت.

۲ نام‌های غیر مذهبی؛ نگاهی به اسامی نشریات بعد از انقلاب نشان می‌دهد یا به اردوگاه چپ تعلق داشتند یا اگر مذهبی بودند آیه قرآن هم بالای لوگو می‌آمد که گفتمان انقلاب را نشان می‌داد: انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، میزان، امت و آن طرف مردم، پیکار، راه کارگر و هر نامی جز اسامی ملی.

با این حساب، روشن است که اسم کوروش مشکل داشت.

۳ جمله شاه؛ در آغاز به نطق شاه در آرامگاه کوروش اشاره شد. بدین ترتیب اگر در فضای بعد از انقلاب از کوروش گفته می‌شد انگار قصد یادآوری شاه و شاهی در میان است. حال آن که شاه تنها به پاسارگاد نرفته بود. بلکه به زیارت کعبه و حج هم رفته بود و عهده‌دار تولیت آستان امام رضا هم بود و به خاطر همین به «ولیان» نایب‌التولیه می‌گفتند یا در «مأموریت برای وطنم» خود را نظر کرده حضرت عباس هم دانسته است! به عبارت دیگر تصویر کوروش نبود که شاه به او ابراز علاقه می‌کرد اما چنان که توضیح داده شد تداعی معانی رخ داده بود. مردوک؛ مشکل دیگر با کوروش این است که چون در استوانه یا منشور از جانب «مردوک» سخن می‌گوید مغایر با آموزه‌های اسلامی دانسته می‌شود و این را در نظر نمی‌گیرند از ۵۲۹ پیش از میلاد تا ۶۳۰ میلادی که اسلام آرام آرام ظهور کرد هزار سال فاصله است و کوروش طبعاً نمی‌توانسته از الهه بگوید و همین که مشرک نبوده و یکتاپرست است قابل توجه است.

۵ شکل آرامگاه؛ برخی هم با شکل آرامگاه کوروش مشکل دارند و این که به صورت مکعب و بنای سنگی است و شائبه هم‌آوردی با بیت‌الله! حال آن که در آن روزگار شکل دیگری متصور نبوده است.

۶ حقوق بشر؛ چون از منشور کورش به عنوان نخستین سند حقوق بشر یاد می‌شود و یکی از بهانه‌های غربی‌ها در چالش مستمر با جمهوری اسلامی همین موضوع است توجه به کوروش را توطئه تلقی می‌کردند.

۷ نماد ملی‌گرایی؛ گفته شد که کوروش بی‌تردید یکی از نمادهای ملی‌گرایی و ناسیونالیسم ایرانی است و به خاطر همان جمله در تقابل با اسلام و مسلمانی.

به مورد سازمان ملی انتقال خون ایران اشاره شد ولی محدود و منحصر به آن نبود.

هواییامپری ملی ایران با سرواژه «هما» هم شد: هواییامپی جمهوری اسلامی ایران و کشتی‌رانی ملی ایران هم شد کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران و وزارت ارشاد ملی هم ارشاد اسلامی و تنها بانک ملی و تیم ملی باقی ماند. چون نام آنان به بانک اسلامی و تیم اسلامی قابل تغییر نبود.

۸ پا‌ها؛ کوروش تنها مورد غضب اصول‌گرایان رادیکال و مذهبی‌های ناسازگار با علایق ملی نیست. بلکه پاره‌ای گرایش‌های ضدنماتیت ایران هم اصرار داشتند و دارند کوروش را با واژه «فارس» توصیف کنند نه ایران و در این فقره خاص، لعاب دینی و مذهبی به خود می‌گیرند و در سال‌های اخیر که نظریه «ایران‌شهر» رواج یافته و برخی رسانه‌ها آرای ایران‌شهری دکتر سیدجواد طباطبایی را نشر می‌دهند این حساسیت فزونی گرفته است.

۹ یهودیان؛ رفتار متمدانه کوروش با یهودیان نیز باب میل منتقدان نیست و احتمالاً یکی از همیز‌های تر